

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

حزب کار ایران – توفان
۰۳ جولای ۲۰۱۳

چهارده میلیون نفر نمایش انتخابات را تحریم کردند

"در یکی از تلویزیون‌های خارجی گفته شد که خانواده ما در انتخابات شرکت کرده‌ایم. تکذیب می‌کنیم. ما رأی ندادیم."

"وقتی جمهوری اسلامی جگرگوشه من را می‌کشد، من چطور می‌توانم رأی دهم؟"

علی آقا سلطان، پدر ندا آقا سلطان در گفتگو با بی‌بی‌سی فارسی

خانواده‌های شهدای راه آزادی و دموکراسی در ایران نمی‌توانستند به تحریم انتخابات تن در دهند. همانگونه که حزب ما نظر داد شرکت در انتخابات مشروعیت بخشیدن به یک نظام استبدادی و ضد مردمی بود. به هیچ بهانه‌ای نمی‌شود توحش، ددمنشی، استبداد و ریاکاری جمهوری اسلامی را به مهر تأیید مزین ساخت. حال ببینیم در این انتخابات چه گذشت. بررسی آراء داده شده بی‌نیاز از تفسیر نیست. نخست این که به هیچ آماری نه در زمان شاه می‌شد اعتماد کرد و نه در زمان جمهوری اسلامی. شما نه درصد تورم را درست می‌دانید و نه تعداد بیکاران را و نه بدهکاری بانکها و یا تعداد فاسدان دستگاه حاکمیت در ایران را. شما در انتخابات گذشته نیز نمی‌دانستید که کدام نامزدهای انتخاباتی چه مقدار رأی داشته‌اند. انتخاب توسط رهبر و بیت رهبری صورت می‌گرفت و بارها گفتند و نوشتند که رأی مردم اعتبار ندارد و مشروعیت رژیم ناشی از رأی مردم نیست، بلکه حرف آخر را رهبر می‌زند. با توجه به این اصل دروغ‌پردازی و تقدس دروغ در جمهوری اسلامی که آمارش تقلبی و دروغ است، ما را به ارزیابی از اعترافات آنها می‌کشاند.

و بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور ایران دارای حدود ۷۶،۰۹۱،۰۰۰ نفر جمعیت است. حتی خود مسئولان رژیم مدعی‌اند که نتوانسته‌اند بیش از ۵۰ میلیون کارت ملی صادر کنند. یعنی حدود ۲۶ میلیون وجود دارند که فاقد کارت ملی و می‌توانند دارای دو شناسنامه باشند. واجدین شرایط انتخابات به استناد همان منابع ۵۰ میلیون ۴۸۳ هزار و ۱۹۲ نفر می‌باشند. تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات ۳۶ میلیون و ۷۰۴ هزار و ۱۵۶ نفر بوده است. یعنی ۱۳ میلیون و ۷۷۹ هزار ۳۶ نفر انتخابات را تحریم کرده‌اند. این مقدار حداقل یک سوم جمعیت شرکت‌کننده در انتخابات است. ولی این هنوز به آن مفهوم نیست که همه کسانی که در انتخابات شرکت کرده‌اند به نامزدهای معرفی شده رأی موافق داده‌اند. به علت عدم امنیت و نظارت بر مردم و استبداد حاکم، بسیاری از ترس و فقدان امنیت در انتخابات شرکت می‌کنند که مهری در داخل شناسنامه خود داشته باشند. آنها رأی باطله به صندوق می‌ریزند و یا بر روی آراء خویش، شعارهای ضد رژیمی می‌نگارند. تعداد این عده که باید آراء آنها را آراء "پوچ" توصیف کرد نیز عملاً آراء کسانی

است که انتخابات را تحریم کرده اند. تعداد آراء آنها ۱ میلیون و ۲۴۵ هزار و چهارصد و شانزده نفر است. بر اساس آمار منتشر شده صورت آراء نامزدها به ترتیب زیر است.

از مجموع ۳۶ میلیون و ۷۰۴ هزار و ۱۵۶ رأی داده شده بدون احتساب آراء پوچ، تعداد ۳۵ میلیون و ۴۵۸ هزار و ۷۴۷ رأی معتبر وجود دارد. شمارش آراء چنانچه دستکاری نشده باشد، نشان می دهد که از بین شش نامزد به جای مانده انتخاباتی، آقای غرضی نفر هفتم شده است. می پرسید چگونه ممکن است از میان شش نفر، یکی نفر هفتم باشد؟ اگر باور ندارید به جدول زیر مراجعه کنید:

ایشان که مورد تأیید شورای نگهبان است و نخودی و فقط برای زدن رنگ و جلای "دموکراتیک"، یعنی فریب مردم و افکار عمومی و تکمیل این صحنه سازی بدون شرمساری از مردم در انتخابات شرکت کرده است، حتی نتوانسته تعداد آرایش را به آراء "پوچ"ها برساند. مردم به تمسخر به وی در ایران نفر هفتمی لقب داده اند که صلاحیت "پوچ"ها را نیز نداشته است. این عده با شرکت خود در انتخابات قلابی به مردم ایران توهین می کنند و با آراء و رفتار خود که در میانه کار خداحافظی می کنند، نشان می دهند آمدنشان با اشاره و رفتنشان با برنامه بوده است. نفس چنین نمایش توهین آمیز که کاندیداهای مقام رهبری حتی مردم را لایق آن نمی دانند که در این صحنه سازیها وانمود کنند که فعالانه برای تحقق خواستها و برنامه ادعائی شان مبارزه می کنند گویای آن است که آنها از نتیجه انتخابات با خبراند و به مهندسی دقیق و عمیق این مضحکه ايقان دارند.

۱- حسن روحانی: ۱۸ میلیون و ۶۱۳ هزار و ۳۲۹ - ۵۰.۷۱ درصد

۲- محمدباقر قالیباف: ۶ میلیون و ۷۷ هزار و ۲۹۲ - ۱۶.۵۶ درصد

۳- سعید جلیلی: ۴ میلیون و ۱۶۸ هزار و ۹۳۶ - ۱۱.۳۶ درصد

۴- محسن رضایی: ۳ میلیون و ۸۸۴ هزار و ۴۱۲ - ۱۰.۵۸ درصد

۵- علی اکبر ولایتی: ۲ میلیون و ۲۶۸ هزار و ۷۵۳ - ۶.۱۸ درصد

۶- آراء باطله و پوچ: ۱ میلیون و ۲۴۵ هزار چهارصد و شانزده

۷- محمد غرضی: ۴۴۶ هزار و ۱۵ - ۱.۲۲ درصد.

اگر همه آراء اصولگرایان را با هم جمع کنیم به رقم ۱۶ میلیون و ۸۴۵ هزار و ۴۰۸ نفر می رسیم که تفاوتش با آراء روحانی به مقدار یک میلیون و ۷۶۷ هزار و ۹۲۱ نفر می باشد.

تفاوت آراء بیش از یک میلیون و هفتصد هزار، مقدار آن چنان زیادی نیست که یک رژیم با تجربه در تقلبات انتخاباتی نتواند آن را به یاری دستگاه پاسداران و یا مقامات امنیتی دستکاری کند. آنهم رژیمی که آراء ده ها میلیونی را تعویض کرده است. همین یک نمونه نشان می دهد که رژیم تصمیم خود را از قبل گرفته بوده و اگر نیز قصدی در تقلب انتخاباتی داشته این تقلب را به نفع روحانی و نه به نفع قالیباف انجام داده است. اگر رژیم می خواست قالیباف و یا جلیلی انتخاب شوند به راحتی می توانست شرایط این امر را با این تفاوت آراء فراهم کند. برای رژیمی که همه ذوب شدگان در ولایت فقیه را به میدان فرستاده است، کاری نداشت که با یک توپ و تشر و حکم حکومتی از اصولگرایان بخواهد که با هم وحدت کرده و مثلاً به نفع جلیلی و یا قالیباف کنار روند. مگر ولایتی می توانست مقابل حرف رهبر بایستد، حداد عادل و عارف با تشر رهبر روبه رو نشده، اعتراف کردند که برای خالی نبودن عریضه و توهین به مردم به میدان آمده بودند. «غرضی» که بخت انتخاب نداشت و خودش هم نمی خواست انتخاب شود، حتی فعالیتی هم برای انتخاب شدن نکرد. وی اعتراف کرد که نخودی است و برای رنگ و جلا دادن به انتخابات و پرده پوشی این نمایش مهندسی شده به میدان آمده است. خامنه ای ولی این کار را نکرد، نه از این جهت که هراس داشت متهم به دخالت در انتخابات معرفی شود. وی به قدری عملیات دخالتجویانه و آمرانه انجام داده است که این یکی هم می توانست روی بقیه

انبیار شود و برای مردم علی السویه تلقی گردد. خیلی ها چشم و گوششان به این رفتار عادت کرده است و شگفت زده نخواهند شد. خامنه ای این کار را نکرد نه از آن جهت که دموکرات شده است، بلکه می خواست نمایش رقیب را تکمیل کرده و شکل "دموکراتیک" به انتخابات بدهد تا روحانی برنده طبیعی این مبارزه جلوه کند.

خامنه ای می توانست با دخالت در آراء و ایجاد وحدت میان هوادارانش انتخابات را به مرحله دوم برساند و در مرحله دوم با موضعگیریهای رسمی به نفع نامزد مورد علاقه خودش زیرآب روحانی را بزند و با تقلب و یا بدون تقلب فرد مورد نظر خویش را از صندوق رأی در آورد و روحانی نیز این نتیجه آراء را به رسمیت بشناسد و از مردم بخواهد که به رأی اکثریت احترام بگذارند و آرامش خویش را حفظ کرده و به خانه های خود رفته و آلت دست عوامل "مشکوک و خرابکار" نشوند. این راه البته ممکن بود، ولی رفتن از این طریق خریدن خطراتی را به همراه داشت که ممکن بود مهار انتخابات را از دست آنها بگیرد و از این گذشته راه مماشات با امریکا و غرب را برای مدت طولانی می بست.

ولی خامنه ای این کار را نکرد. نه از این جهت که جان در قالب تهی کرده بود و به ندانم کاری و سرگیجی دچار بود و از اوضاع ارزیابی درستی نداشت، و منتظر بود ببیند چه می شود تا چه خاکی بر سرش کند، به عکس دقیقاً به این خاطر که می دانست چه می خواهد و چگونه باید در این دوران طوفانی و انفجاری، کشتی صدمه دیده را به ساحل نجات رهبری کند و انتخابات را مهندسی نماید. روحانی نامزد مورد تأیید همه مافیای در قدرت و فصل مشترک توافق همه آن گروه ها است. این که این وحدت موقتی تا به کی دوام بیاورد به جنبش مردم و فشار خارجی وابسته است که ثروتهای انباشته شده این مافیا را بی ارزش می کند.

بر گرفته از توفان شماره ۱۶۰ تیر ماه ۱۳۹۲، جولای سال ۲۰۱۳، ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت. www.toufan.org

نشانی پست الکترونیک (ایمیل). toufan@toufan.org